



اوضاع سیاسی دوران امامت حضرت سجاد(ع)/ دلیل عدم دخالت امام(ع) در واقعه حظه

امام سجاد(ع) پس از ماجرای خونین عاشورا، چه هنگام اسارت و چه هنگام بازگشت به مدینه، در هر فرصتی مردم را نسبت به طاغوت عصر، یزید بن معاویه با خطبه های خویش آگاهی می بخشید...

امام سجاد(ع) پس از ماجرای خونین عاشورا، چه هنگام اسارت و چه هنگام بازگشت به مدینه، در هر فرصتی مردم را نسبت به طاغوت عصر، یزید بن معاویه با خطبه های خویش آگاهی می بخشید، خطبه غرا و کوبنده ایشان در شام، یزید و حکومتش را رسوا نمود و ماهیت پلید حکومت خودکامه او را افشا کرد.

زندگینامه امام سجاد(ع)

به گزارش خبرگزاری مهر، حضرت علی بن حسین(ع) ملقب به «زین العابدین» و «سید السجّادین» در پنجم شعبان سال 38 هجری در مدینه به دنیا آمد. مادر گرمی ایشان شهربانو دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) است. در مورد شهربانو مطالب گوناگونی گفته شده است اما در الکافی به نقل از جابر و او از امام باقر(ع) آمده که حضرت فرمود: «هنگامی که دختر یزدگرد را بر عمر، وارد کردند، دوشیزگان مدینه برای تماشایش آمدند و مسجد [پیامبر(ص)] از نور ورودش روشن شد. چون عمر بر او نگریست، [آن بانو] صورت خود را پوشاند و گفت: اف به روزگار هرمز باد! عمر گفت: آیا به من دشنام می دهد؟ و قصد [تنبیه] او را کرد. امیرمؤمنان، علی(ع) به او فرمود: تو چنین حقی نداری. او را در گزینش مردی از مسلمانان، آزاد بگذار و او را سهم غنیمتی همان مردی قرار ده که برگزیده است. آن دختر آمد تا دستش را بر سر حسین(ع) گذاشت. امیرمؤمنان، علی(ع) به او فرمود: نام تو چیست؟ گفت: جهانشاه. امیرمؤمنان(ع) به او فرمود: بلکه شهربانو. سپس به حسین(ع) فرمود: ای ابوعبدالله! همانا او برای بهترین زمینیان را به دنیا می آورد. او علی بن الحسین (امام زین العابدین(ع)) را به دنیا آورد. از این رو به علی بن الحسین(ع) فرزند دو سلسله برگزیده می گفتند: برگزیده عرب، هاشم و برگزیده غیر عرب، فارس».

ابوالحسن و ابومحمد از کنیه های مشهور امام سجاد(ع) است و القاب مشهوره آن حضرت: زین العابدین و سیدالساجدین و العابدین و زکی و امین و سجّاد و ذوالثفتات و نقش نگین آن جناب به روایت حضرت صادق(ع) «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ» بوده و به روایت امام محمد باقر(ع) «الْعِزَّةُ لِلَّهِ» و به روایت حضرت ابوالحسن موسی کاظم(ع)، «حَزْرَى وَ شَقَى قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)» بوده است.

امام سجاد (ع) چهارمین امام شیعیان است. ایشان دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی (ع) و پدر خود حسین بن علی (ع) سپری کرد. در کربلا حاضر شد، اما به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند. پس از آن قریب 34 سال (تا سال 94 قمری) رهبری شیعیان را بر عهده داشت. این دوره، دوره ای سخت بود و شیعیان به شدت تحت فشار امویان قرار داشتند. آن حضرت از راه های گوناگون توانست شیعیان خالص را در اطراف خویش گرد آورد و راه را برای فرزندش امام باقر (ع) باز کند. از مهم ترین یادگارهای امام سجاد (ع) دعاها و دعاهای آن حضرت است که مشحون از مفاهیم عالی اخلاقی و عبادی و سیاسی است. مجموعه این دعاها به صورت کتاب بسیار نفیسی به نام «صحیفه کامله سجّادیه» درآمده است. و رساله ای هم از آن حضرت به جا مانده که به نام «رساله حقوق» معروف است.

دوران کودکی را در مدینه سپری کردند و مدت دو سال از امامت جدش، امیرمؤمنان(ع) و 10 سال از امامت عمویش، امام حسن مجتبی(ع) و 10 سال از امامت پدر بزرگوارش، امام حسین(ع) را درک نمودند. در محرم سال 61 هجری قمری در جریان قیام امام حسین (ع)، در سرزمین کربلا حضور داشت و پس از آن فاجعه دردناک به امامت رسیدند که به مدت 34 سال به طول انجامید. امام سجاد (ع) در سال 94 ق. به تحریک ولید بن عبد الملک مسموم گردید و به شهادت رسید و پیکر مطهرش در کنار امام مجتبی (ع) در بقیع مدفون شد.

سیره اخلاقی امام سجاد (ع)

پیشوای چهارم شیعیان، انسانی کامل و برگزیده حق و در همه جهات اخلاقی، عبادی و علمی به اوج کمال رسیده و نمونه مجسم و عینی قرآن و رسول خدا(ص) بود. در دوران سیاه حکومت اموی که ارزشهای انسانی و فضائل اخلاقی به فراموشی سپرده شده و مردم به جای مشاهده زهد، ساده زیستی، تواضع، نوع دوستی، نرم خویی و رعیت پروری از زمامداران خود به عنوان خلیفه پیامبر(ص)، شاهد دنیا طلبی، اشرافیت، تجمل گرایی، خود محوری و بزرگ بینی آنان بودند، آن امام همام، چون خورشیدی فروزنده درخشید و وجودش مجمع همه فضائل و ارزشهای فراموش شده گشت؛ چنانکه دوست و دشمن را به تحسین واداشت.

امام باقر(ع) در مورد علت ملقب شدن پدر بزرگوارش به لقب (سجاد) می فرماید: او را سجّاد نامیدند، چون: هیچگاه نعمتی را به یاد نمی آورد مگر آن که سجده می کرد؛ هیچ وقت آیه ای از قرآن را که سجده (واجب یا مستحب) داشت نمی خواند مگر آن که سجده می کرد؛ خداوند هیچگاه بدی و ناگواری را از او دفع نکرد مگر آن که سجده کرد، هیچ زمان از نماز واجب فارغ نشد مگر آنکه سجده کرد، هیچگاه بین دو نفر را اصلاح نکرد مگر آن که سجده کرد، (بر اثر فزونی این سجده ها) آثار سجده در تمامی مواضع سجود آن حضرت نمایان بود.

امام چهارم همچون سایر امامان علیهم السلام، شجاع، دلیر و ظلم ستیز بود. موضع سخت و سخنان کوبنده آن

حضرت در برابر ستمگران خودکامه ای همچون عبیدالله، یزید و عبدالملک بهترین گواه قوت روحی و شجاعت آن بزرگوار در جریان های بعد از واقعه کربلا و دوران امامت آن امام همام است.

اوضاع سیاسی دوران امامت حضرت سجاد(ع)

امام سجاد(ع) در محرم سال 61 هجری، در سرزمین کربلا حضور داشت و پس از آن فاجعه دردناک به امامت رسید و با توجه به وضعیت زمان و اختناق حاکم در آن دوران، اقدام به یک سلسله برنامه های ارشادی و فرهنگی و مبارزات غیرمستقیم نمود. ماجرای نهضت کربلا، یک حادثه بزرگ سیاسی بود که امام سجاد(ع) در پیدایش آن و ابلاغ پیام شهیدان و پیگیری نتایج نهضت نقش اصلی را داشت، آن حضرت پس از ماجرای خونین عاشورا، چه هنگام اسارت و چه هنگام بازگشت به مدینه، در هر فرصتی مردم را نسبت به طاغوت عصر، یزید بن معاویه با خطبه های خویش آگاهی می بخشید، خطبه غرّا و کوبنده او در شام، یزید و حکومتش را رسوا نمود و ماهیت پلید حکومت خودکامه او را افشا کرد.

امام سجاد(ع) با این که پس از واقعه کربلا جامعه اسلامی را گرفتار ترس و یاس می دید و کسی را نمی یافت که تربیت کند و دانش خویش را به او بسپارد ولی از پای ننشست و با دعا و نیایش مطالب عمیق و مضامین ارزنده و گرانقدری را به جامعه اسلامی به ویژه شیعیان منتقل ساخت. تداوم بخشی و تفسیر درست حادثه عاشورا و جلوگیری از تحریف آن، پرورش رهبر آینده امت اسلامی حضرت باقرالعلوم(ع)، نشر معارف قرآن و فرهنگ اسلام در قالب دعا و نیایش، نظارت و هدایت اندیشمندان و فقها و قزای جامعه اسلامی، حمایت سیاسی، مادی و معنوی از بردگان به عنوان مظلوم ترین گروه های اجتماعی و تلاش برای هدایت و آزادی آنان از مهمترین اقدامات امام سجاد(ع) پس از عاشورا و در دوران امامت ایشان به شمار می رود.

شجاعت امام سجاد(ع) و سخنان و خطابه های ایشان در برابر امویان و مروانیان

حضرت زین العابدین(ع) همچون سایر امامان علیهم السلام، شجاع، دلیر و ظلم ستیز بود. موضع سخت و سخنان کوبنده آن حضرت در برابر ستمگران خودکامه ای همچون عبیدالله، یزید و عبدالملک بهترین گواه قوت روحی و شجاعت آن بزرگوار در جریان های بعد از واقعه کربلا و دوران امامت آن امام همام است. در برابر عبیدالله که آن حضرت را تهدید به قتل کرده بود فرمود: آیا مرا به کشتن تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی که کشته شدن (در راه خدا) روش ما و شهادت، کرامت ماست؟

در برابر یزید فرمود: ای پسر معاویه و هند و صخر! تو می دانی که جدّم علی بن ابی طالب (ع) در روز بدر، احد و احزاب پرچمدار اسلام بود؛ ولی پدر و جد تو پرچمدار کافران بودند. حضرت سیدالسادین(ع) در برابر عبدالملک که آن حضرت را احضار کرده و گفته بود: من که قاتل پدر شما نیستم، پس چرا با ما رفت و آمد نمی کنی؟ امام فرمود: قاتل پدرم هر چند به زندگی دنیوی او خاتمه داد؛ لیکن آخرت خویش را با این جنایت، تباه ساخت؛ اگر تو هم دوست داری مانند او باشی باش! و نیز هنگامی که امام سجاد(ع) را در ماجرای کربلا، به صورت اسیر، همراه بازماندگان شهدای کربلا به شام، نزد یزید بن معاویه بردند، آن حضرت را در برابر یزید نگه داشتند. یزید(مغرور برای نیکو جلوه دادن کار خود به یک توجیه مزورانه مذهبی پرداخت، آیه ای از قرآن خواند، و علت مصائبی که خاندان رسالت به آن دچار شده اند را، عمل خود آنها دانست و گفت): خداوند می فرماید: (و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم: هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده اید). (شوری/ 30)

امام سجاد(ع) بی درنگ در پاسخ فرمود: این در شأن ما نیست، بلکه در شأن ما این آیه (22 حدید) است: ما اصاب من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ذلک علی الله یسیر) هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد، مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خداوند آسان می باشد (حدید/ 22)، بنابراین مصیبت ما، از مصائب مورد قبول ما، برای تقویت دین است و دستورش در لوح محفوظ الهی آمده است نه اینکه اعمال نامناسب ما باشد.

اتخاذ چنین موضع قاطع و بیان چنین سخنان عتاب آمیز در برابر این حاکمان قلدر و مستبد، در کاخ و محل حکومت آنان، شجاعتی فوق تصور می طلبد. به علاوه خطبه آتشین آن حضرت در کاخ یزید که به افشاگری جنایت ها و ظلم و فساد دستگاه بنی امیه و خصوصاً یزید انجامید نیز نشان از اوج قدرت روحی و شجاعت آن حضرت دارد.

دلیل عدم دخالت امام سجاد(ع) در واقعه حرّه

عصر امامت امام زین العابدین(ع)، یکی از ترسناک ترین دوره های تاریخ اسلام برای شیعیان به شمار می آید، یکی از اقدامات مهم امام سجاد(ع) در راستای رهبری هدایت شیعه موضع گیری های بجا و به موقع آن حضرت در برابر قیام ها و شورش ها و نیز مواضع آن بزرگوار در مقابل عملکرد حکام اموی عصر خویش بود.

یزید بیش از سه سال و اندی حکومت کرد و در این مدت کوتاه هولناک ترین فجایع را انجام داد که رخداد کربلا و عاشورا اولین آن ها و فاجعه حرّه گسترده ترین آن ها بود. او به عنوان دومین خلیفه اموی، صحت پیش بینی علی بن ابی طالب(ع) در مورد ظلم امویان را آشکارتر ساخت؛ امیرالمؤمنین علی(ع) سال ها قبل فرموده بود: «الا! انّ احوفاً الفتن عندي بني امیه، فانها قتله عمیاء عظیمه...»، «آگاه باشید! ترسناک ترین فتنه و آشوب در نظر من، فتنه بني امیه است؛ فتنه ای کور و بس تاریک»

همان گونه که اشاره شد، یکی از جنایات یزید در عصر امام سجاد(ع)، که به دست حاکمان جنایتکار اموی در مدینه صورت گرفت، واقعه حرّه است. این حادثه به قیام مردم مدینه در 25 یا 27 ذی الحجه 63 هجری مربوط است.

علت وقوع این حادثه:

واقعه حرّه در سال 63 هجری و دو سال پس از فاجعه عاشورا در مدینه اتفاق افتاد. عبدا... بن زبیر، برادرش عمرو بن زبیر را کشت. در خطبه‌ای به یزید ناسزا گفت و مردم را به نافرمانی از یزید و جهاد با او فرا خواند. عبدا... بن مطیع از طرف زبیر از مردم مدینه بیعت گرفت. یزید از جریان این ناآرامی در مدینه باخبر شد و از عثمان بن محمد که کارگزار خود در مدینه بود، خواست که گروهی از بزرگان مدینه را راهی دمشق کند تا از عطا و بخشش‌های او برخوردار شوند و دست از ناآرامی بردارند. گروهی از بزرگان شهر از فرزندان انصار و مهاجر به دمشق وارد شدند و در مدت اقامت علاوه بر دست و دل‌بازی‌های او، سبکسری‌ها و کارهای زشت او را از نزدیک مشاهده کردند. زمانی که این گروه بازگشتند به جای تعریف و تمجید از یزید از وی بدگویی کردند و گفتند: «ما از نزد مردی فاسق آمدم که دین ندارد، شراب می‌خورد، طنبور می‌نوازد، بردگان نزد او می‌خوانند و با سگان بازی می‌کند».

در پی این گزارش، مردم مدینه با عبدا... بن حنظله بیعت کردند و بنی امیه را که در خانه مروان حکم جمع شده بودند، به محاصره در آوردند. و خلع یزید را اعلام کردند. جمعی از بنی امیه نامه‌ای به یزید نوشتند، به این مضمون؛ «بنام خدای رحمان رحیم، و اما بعد، ما را در خانه مروان حکم محاصره کرده‌اند و آب از برداشته‌اند، کمک، کمک!».

یزید که انتظار این کار را نداشت، بسیار خشمگین شد و مسلم بن عقبه بن رباح را که در سنگدلی و قساوت مشهور بود، را انتخاب کرد و راهی مدینه کرد. این سپاه به فرماندهی مسلم بن عقبه، از جانب یزید حرکت کرد و یزید به او گفت اگر حادثه‌ای برای تو رخ داد، حصین بن نمیر را جانشین کن و به او گفت: مردم را تا سه روز دعوت کن، اگر پذیرفتند که بهتر و گرنه با آنها جنگ و چون غلبه پیدا کردی مدینه را سه روز به سپاهیان واگذار و هر مال و برده، سلاح، خوردنی که در آن هست از آن سپاه باشد و چون سه روز تمام شد از مردم دست بردار، علی بن الحسین (ع) را ببین و دست از او بردار و با وی نیکی کن و تقرب ده که در کار دخالت نکرده نامه او نیز به ما رسیده!».

باید گفت این نقل طبری در مورد نامه امام(ع) به یزید که برخی آن را نشانه‌ای از بیعت ایشان با یزید ملعون می‌خوانند مجعول است چرا که اولاً: از آنجا که حضرت پایان کار شورشیان را می‌دید و آنرا قیامی شیعی و با انگیزه‌های راستینی که مورد نظر ائمه (ع) بود نمی‌دید، از اول خود را کنار کشید. با آنان همداستان نشد. بنابراین مسلم بن عقبه هم ماموریت آزاررسانی امام(ع) را نداشت.

ثانیاً: دستور بیعت گرفتن از امام(ع) را هم از طرف یزید نداشته، بلکه دستور خوش رفتاری با او را از سوی یزید داشته است. ثالثاً: پس از کشته شدن امام حسین(ع) و اعتراضها و رسوایی که به دنبال آن پیش آمد، یزید مایل نبود دستش دوباره به خون فرزند رسول خدا(ص) آغشته شود و رابعاً: به همین دلیل مسعودی می‌نویسد: «مسلم بن عقبه از مردم مدینه بیعت گرفت. هر که نپذیرفت او را کشت مگر، علی بن الحسین(ع)».

سپاه مسلم بن عقبه که 12 هزار نفر بود، نخست شهر مدینه را محاصره کردند و پیام داد تا سه روز مهت دارید با یزید بیعت کنید و برده او شوید. مردم مدینه تسلیم نشدند و جنگ صورت گرفت. سرانجام لشکریان یزید بر آنان برتری یافتند. فرمانده سپاه از سپاهیان خواست در این سه روز هر کاری که می‌خواهند در اموال و امکانات مردم شهر انجام دهند، کشتار زیادی صورت گرفت. جان و مال و ناموس مردم مدینه در چنگال لشکریان شام قرار گرفت. این کشتار وسیع سبب گردید که از آن پس مسلم بن عقبه را «مسرف بن عقبه» نامیدند. کشته شدگان واقعه حرّه 3300 نفر دانسته‌اند.

عوامل عدم تعرض سپاه اموی نسبت به امام سجاد (ع):

ألف) موضع‌گیری امام سجاد (ع) و عدم شرکت در این قیام؛

ب) اجرای سیاست تقیه از جانب امام؛

اجرای این سیاست از سوی امام سجاد(ع) موجب شد یزید سفارش کند که متعرض امام سجاد (ع) نشوند و این گونه شد که در جریان واقعه حرّه تنها کسی که بدون قید و شرط از گزند سپاه اموی در امان ماندند و اقرار به بردگی نکردند. علی بن الحسین (ع) و علی بن عبدا... بن عباس بودند. مسلم با مردم مدینه بدین شرط بیعت کرد که بنده یزید باشند و کسی که نمی‌پذیرفت گردن می‌زند و تنها علی بن الحسین (ع) و علی بن عبدا... را معاف کرد.

خط مشی حضرت سجاد (ع) پس از رخداد عاشورا باعث شد که جاسوسان و گزارشگران اموی که در مدینه تعدادشان بی‌شمار بود و روابط و مسایل زندگی حضرت را زیرنظر گرفته بودند، نتوانند کوچکترین حرکتی از ایشان برخلاف حکومت یزید گزارش دهند و به همین جهت حضرت و پیروان ایشان از این وقایع در امان ماندند و اهل بیت را که در جریان کربلا به شدت مورد آزار قرار گرفته بودند، در واقعه حرّه مصون ماندند.

ج) مشیت الهی:

امام حجت خدا بر روی زمین است و خداوند وجود حجتش را از بلا حفظ می‌کند. در جریان واقعه حرّه، امام از ابتدا در قیام شرکت نکرد و همراه خانواده خود از شهر خارج شد و در «ینبوع» اقامت نمود و 400 نفر از مردم مدینه را در میان خانه و خاندانش پناه داد و تا زمان بازگشت سپاه و خروج آن از مدینه پدیرای آنها بود.

واقعه اسفناک حره نشان داد کسانی که از ترس جانشان، امام حق خویش را در روز عاشورا همراهی نکردند، گرفتار ظلم و تعدی ستمکاری همچون یزید گشته و به بدترین صورت کشته و تحقیر شدند.

ادعیه مأثوره از امام معصوم(ع)/مناجات انجیلیه امام سجاد (ع)

به دلیل فضای خفقانی که پس از واقعه عاشورا در بلاد اسلامی به ویژه مدینه حاکم بود، امام سجاد(ع) از طریق دعا به نشر معارف قرآن و فرهنگ اسلامی پرداخت که مهمترین آن «صحیفه سجادیه» مشتمل بر 54 دعاست که دعای بیستم آن دعای «مکارم الاخلاق» و دعای «چهل و هفتم» دعای عرفه از ادعیه مشهور در بین عموم می باشد. صحیفه سجادیه در ضمن دعا، معارف اسلام، سیاست اسلام، اخلاق اسلام، اجتماعیات اسلام، حقانیت شیعه، حقانیت اهل بیت(ع)، انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و حقیقت، و بالاخره يك دوره معارف اسلامی را آموزش می دهد. صحیفه ای که محققین، اسم آن را اخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نهاده اند.

علاوه بر رساله حقوق و صحیفه سجادیه که از امام چهارم به دست ما رسیده است؛ حضرت مناجاتی دارند مشهور به «مناجات انجیلیه» که در برخی از کتب امامیه از جمله در کتاب الصحيفة الثالثة السجادية تالیف علامه میرزا عبدالله اصفهانی نقل شده است که درباره این مناجات می گوید: «مناجات انجیلیه مفصل ترین مناجاتی است که از امام سجاد (ع) نقل شده و من آن را در کتابی از مولفات قدامت امامیه (رضوان الله علیهم اجمعین) دیده ام. این دعا معروف به انجیلیه است و وجه تسمیه آن این است که فقرات این دعا شبیه اکثر فقرات و مواظ انجیل است که بر حضرت عیسی(ع) نازل شده و نه انجیلی که هم اکنون بین نصاری است.

گفتنی است که مضامین عالی این مناجات و سبک و سیاق عبارات آن خود قوی ترین دلیل بر صحت صدور آن از لسان معصوم است و حتی اگر سند آن ضعیف هم باشد خود این مضامین بر صحت صدور آن از معصوم کفایت می کند. وانگهی برخی از متأخرین و متقدمین علما این مناجات را در کتابهای خود نقل کرده اند از جمله صاحب انیس العابدین، همچنین المولی الجلیل مولانا محسن الکاشانی معاصر (قدس سره) آن را در کتاب ذریعة الضراعة نقل کرده است....».

«مناسک حج» نیز یکی دیگر از کتب آن حضرت است که فرزندان آن حضرت این کتاب را نقل کرده اند. از دیگر آثار گرانسنگ آن حضرت که جامع آداب سلوك فردي و اجتماعي است و محور شرح و بسط زیادی قرار گرفته است، رساله حقوق آن حضرت است. عنوان یکی دیگر از آثار آن حضرت، «الجامع في الفقه» است که ابوحمزه ثمالی آن را نقل کرده است. کتاب دیگری که توسط ابوحمزه ثمالی نقل شده است «صحیفه الزهد» نام دارد. همچنین «کتاب حدی» توسط داود بن عیسی از آن حضرت نقل شده است.